

رسوایی پارمالات

نوشته: اینیاسیو رامونه

ترجمه: میترا شعبانی

نقل از لوموند دیپلماتیک

"زنده باد اخلاق در تجارت! زنده باد شرکت سالم!" این فریادها که در جریان فوروم اقتصادی جهانی در داووس به گوش می‌رسیدند، بیانگر خواستی واحدند و آن همانا شکوفایی دوباره‌ی کاپیتالیسم بر مبنای شالوده‌ی سالم آن است. این امر البته بسیار دشوار خواهد بود، چرا که درست در لحظه‌ی ابراز این خواهش‌ها، فضااحت ماجرای پارمالات زبان زد خاص و عام شده بود. به نظر می‌رسد که این قضیه که بزرگ‌ترین رسوایی مالی اروپا از سال ۱۹۴۵ تاکنون خوانده شده است، عواقبی مشابه رسوایی فاجعه بار انرون، دلال بزرگ انرژی، در دسامبر ۲۰۰۱ به بار آورد.^۱

پارمالات نمونه‌ی بارزی از شکوفایی اقتصادی در چارچوب پویش جهانی سازی لیبرالیست. یک شرکت کوچک فامیلی توزیع شیر پاستوریزه که در سال‌های ۱۹۶۰ در حوالی پارما در ایتالیا فعالیت خود را آغاز کرد و به یمن کفایت بنیان‌گذار آن، کالیستو تانزی، و یارانه‌های سخاوت‌مندانه‌ی اتحادیه‌ی اروپا، توسعه یافت. پارمالات، از سال ۱۹۷۴، جهانی شده و در برزیل و سپس ونزوئلا و اکوادور مستقر گشت. این شرکت شعب متعدد و نیز چندین شرکت واسطه‌ای، ابتدا در کشورهایی که تسهیلات مالیاتی در اختیار شرکت‌ها می‌گذارند (جزیره‌ی مان، هلند، لوکزامبورگ، اتریش، مالت) و سپس در بهشت‌های مالیاتی (جزایر کایمان، جزایر ویرجین، جزایر آنتیل هلند) ایجاد کرد. پارمالات از سال ۱۹۹۰ وارد بورس شده و به عنوان هفتمین گروه خصوصی ایتالیا مطرح گشت و مرتبه‌ی نخست جهانی را در بازار شیر "قابل نگاه‌داری درازمدت" کسب کرد. این شرکت عظیم ۳۷ هزار کارگر و کارمند در بیش از سی کشور جهان در استخدام خود داشت، و درآمد ناخالص آن در سال ۲۰۰۲، به ۶/۷ میلیارد یورو، یعنی رقمی بالاتر از تولید ناخالص ملی کشورهایی چون پاراگوئه، بولیوی، آنگولا و یا سنگال بالغ می‌شد.

موفقیت عظیم پارمالات، ارباب آن، کالیستو تانزی را یکی از چهره‌های مطرح دستگاه

حاکم‌ی ایتالیا و عضو هیات رئیسه‌ی Cofindustria (اتحادیه‌ی اربابان ایتالیا) ساخته و سهام پارمالات به یکی از ارزش‌های مسلم بورس میلان بدل گشت.

تا روز یازده نوامبر ۲۰۰۳ همه چیز به خوبی پیش می‌رفت. در این روز بود که سرمایه‌گذاری مبلغی بالغ بر پانصد میلیون یورو در شرکت Epicurum که مقر آن در جزایر کایمان است، سوءظن ماموران مالیاتی ایتالیا را برانگیخت. آژانس Standard & Poors بلافاصله مرتبه‌ی سهام پارمالات را در رده‌بندی خود پایین آورد و ارزش سهام آن به شدت تنزل کرد. در همان زمان کمیسیون نظارت بر معاملات بورس از این شرکت خواست تا در رابطه با چگونگی بازپرداخت قروضی که موعدهشان پایان سال ۲۰۰۳ بود، توضیح دهد. این امر موجبات نگرانی سهام‌داران و پستانکاران شرکت را فراهم آورد. هیات رئیسه‌ی پارمالات برای اطمینان بخشیدن به سهام‌داران، اعلام داشت که سرمایه‌ای بالغ بر ۳/۹۵ میلیارد یورو در یکی از شعب بانک آمریکا در جزایر کایمان در اختیار دارد و سندی از جانب بانک مذکور مبنی بر صحت وجود این وجوه ارائه داد. به این ترتیب، روسای شرکت به قمار خطرناک دست زدند، به این معنا که یا حساب‌شان صاف می‌شد یا دو برابر می‌باختند. یا اوضاع به روال سابق برگشته و خیال همه آسوده می‌شد و ارزش سهام بالا می‌رفت یا بی‌اعتمادی ادامه یافته و شرکت در آستانه‌ی ورشکستگی قرار می‌گرفت.

در این لحظه سرنوشت‌ساز، در حالی که به نظر می‌رسید که ماجرا خاتم یافته است، ضربه‌ی کاری دیگری به گروه وارد آمد. روز نوزده دسامبر بانک آمریکا اعلام داشت سندی که شرکت پارمالات برای اثبات وجود ۳/۹۵ میلیارد یورو در همه جا به نمایش می‌گذارد، در واقع ... جعلی است! سندی با نشان غیردقیق که به شکل ناشیانه‌ای جعل و "اسکن" شده است! در پی این افشاگری، ارزش سهام به شدت نزول می‌کند و

طرف چند روز دیگر تقریباً بی‌ارزش می‌شود. بیش از صدوپانزده هزار نفر از سهام‌داران و پس‌اندازکنندگان خرده‌پا خود را مغبون و برخی کاملاً خانه خراب می‌یابند. رسوایی آغاز می‌شود. به زودی افشا می‌شود که قروض پارمالات در واقع به یازده میلیارد یورو بالغ شده! و هم چون رسوایی‌های انرون، تیکو، ورلدکام و آهولد، این امر آگاهانه از سال‌ها پیش، طی روندی متقلبانه براساس اختلاس، حساب‌سازی و دستکاری اسناد، سوددهی کاذب و اهرام پیچیده‌ای متشکل از شرکت‌های تودرتوی Of shore که ردیابی سرمایه‌ها و بررسی حساب‌ها را عملاً غیرممکن می‌سازد، پنهان نگاه داشته شده است. این کلاهبرداری مدت‌ها به‌طور پیوسته و پنهان ادامه پیدا می‌کند تا جایی که به عنوان مثال، دوج بانک، اندکی قبل از ماجرا، ۵۱ درصد سهام پارمالات را خرید و صاحب‌نظران بازار بورس خرید سهام آن را اکیداً توصیه می‌کردند ("Strong buy"). کابینه‌های تحلیل و حسابرسی معتبری مانند Deloitte & Toucheo Grant Thornton، و بانک‌های بزرگی چون Citygroup به هم دستی در این رسوایی متهم شده‌اند. و زیانمندی بهشت‌های مالیاتی بار دیگر بر سر زبان‌هاست.^۲ ماجرا ابعادی جهانی یافته است.

پس از ورشکستگی شرکت انرون، هواخواهان جهانی شدن لیبرالی ادعا می‌کردند که دیگر دوران اربابان اوباش و شرکت‌های شیاد به سرآمده است و در نهایت این ماجرا خالی از فایده نبوده است، چرا که به نوعی اسباب اصلاح سیستم کنونی را فراهم آورده است. رسوایی پارمالات عکس این قضیه را ثابت می‌کند.

پی‌نوشت

- ۱- ورشکستگی شرکت انرون، در پی دستکاری حسابداری، اخراج ۵۶۰۰ نفر و ناپدید شدن ۶۸ میلیارد دلار سرمایه را با خود به همراه داشته است.
- ۲- در این رابطه رجوع شود به کتاب پیر بوشه، "تمرکز شرکت‌های چند ملیتی و تحول دولت". انتشارات CNRS، پاریس، ۲۰۰۳.